

به نام خدا

حسابدار

سال ۳۳، شماره ۲۹۷ / ۰۵۳۰-۱۷۳۵
دی ۱۳۹۵ / قیمت: ۵۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز

انجمن حسابداران خبره ایران

مدیر مسئول

مهدی تقوی

مدیر اجرایی

محسن قاسمی

سردبیر

پرویز صداقت

تحریریه (به ترتیب الفبا)

علی امانی، یحیی حساس یگانه

محسن قاسمی

همکار اجرایی: صدیقه ذوالفقاری

طراح و صفحه آرا: علی قاصدی

سایت: لایلا بیگری

همکاران تحریریه

علی سالم، نرگس رحمانی

امیر هادی معنوی مقدم

آگهی‌ها: بنفشه صفری‌نژاد



• مقاله‌ها و نظرهای درج شده در حسابدار، بازتاب‌دهنده‌ی نظر رسمی انجمن نیست؛ مگر در مواردی که قید شود.
• حسابدار در ویرایش فنی مقاله‌ها آزاد است.
• حسابدار از دریافت و انتشار مقاله‌ها، پادداشت‌ها و دیدگاه‌های کلیه‌ی اعضا و صاحب‌نظران حسابداری، مالی و اقتصادی استقبال می‌کند.

کد پستی: ۱۵۹۸۶۶۶۸۱۶

نمابر: ۸۸۸۷۷۶۶۷

صندوق پستی: ۱۵۸۱۵/۳۶۹۱

نشانی: تهران - خیابان استاد نجات‌اللهی، شماره ۱۰۸

تلفن: ۸۸۸۹۳۹۶۷

تلفن اشتراک و آگهی: ۵-۸۸۶۵۹۹۸۲

www.iica.ir

editorial@iica.ir

hesabdar@iica.ir



چاپ، صحافی و لیتوگرافی: پیک نور

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان کارگر شمالی، خیابان فرصت شیرازی، پلاک ۲۰

تلفن: ۶۶۴۲۸۹۸۷

صدای تأثیر گذار

حرفه‌ی حسابداری

در جامعه‌ی مدنی ایران



رحمت‌اله صادقیان

تلاقی گاه سه نسل حسابداران حرفه‌ای در کشور است، ماهنامه‌ی حسابداری نیز به مثابه ارگان اصلی انجمن، چتر فراگیری است که تمامی اهل حرفه از نسل پیش کسوت تا نسل جوان حاضر را در بر می گیرد. و تلاقی گاه و محل پیوند سه نسل حرفه‌ای حسابداران، نسل متقدم و پیش کسوتان ما، نسل میانی و نسل متأخر و جوانان است.

از یک سو، تجربه و شعور نسل متقدم حسابداران حرفه‌ای چراغ راه ما است و از دیگر سو به شور و پویایی نسل جدید حسابداران حرفه‌ای نیاز داریم. طبیعی است که گره زدن این تجربه و شعور با پویایی و شور و وظیفه‌ی اصلی ماست.

پیران حرفه‌ی حسابداری در ایران در مقام استراتژیست‌ها و سیاست‌گذارانی هستند که چشم‌اندازها را برای ما ترسیم و به ما یادآوری می‌کنند و جوانان نیز نیروی محرکی‌اند که انجمن را به سوی این چشم‌انداز رهنمون می‌سازند. امیدواریم حاصل و برنهاد این پیوند مبارک را در پوشش مداوم انجمن و ماهنامه حسابداری شاهد باشیم.

با این راهبرد کلی، ماهنامه‌ی حسابداری نیازمند ارتقای کمی و کیفی، هر دو است. هم‌اکنون شمارگان (تیراژ) سالانه‌ی حسابداری بیش از یک‌صد هزار نسخه است که علاوه بر اعضای انجمن برای مقامات و

ماهنامه‌ی حسابداری، فراگیرترین، پرشمارترین و نیز قدیمی‌ترین نشریه‌ی تخصصی حسابداری در ایران است. «حسابدار» علاوه بر این‌ها، احتمالاً دیرپاترین نشریه‌ی تخصصی غیردولتی در کشور ماست. استمرار و جایگاه کنونی این نشریه مرهون تلاش و زحمات خبرگان کارآمدی است که به‌ویژه در دو دهه‌ی نخست فعالیت آن خمیرمایه و سرشتی را بنیان نهادند که امکان حیات مستمر و پویای نشریه‌ی حسابداری را فراهم کرد.

هدف مهم انجمن در ماهنامه حسابداری، از همان ابتدا، کمک به رشد و بالندگی حرفه‌ای اعضای جامعه و بدین ترتیب کمک به اعتلای حرفه‌ی حسابداری در ایران بوده است. هدف اصلی ما در شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران نیز، ضمن حفظ و ارتقای جایگاه انجمن، به مثابه فراگیرترین تشکل حرفه‌ی حسابداری در کشور، آن است که انجمن را در مقام صدای تأثیر گذار حرفه‌ی حسابداری در جامعه‌ی مدنی ایران تثبیت کنیم.

طبیعی است با این استراتژی نشریه‌ی حسابداری نیز وظیفه‌ی سنگینی برای ترویج دیدگاه‌های حرفه‌ای و ارتقای جایگاه حرفه بر عهده دارد. همان‌طور که امروز انجمن حسابداران خبره ایران محل پیوند و

نهادهای تأثیر گذار در سرنوشت اقتصادی و حرفه‌ای نیز ارسال می‌شود. بدین ترتیب، بدیهی است که در میان نشریات حسابداری جایگاه کنونی ماهنامه حسابدار کاملاً متمایز است. اما می‌دانیم که برای پاسخ دادن به نیازهای کشور ما و نیازهای انبوه دانش‌آموختگان و کارشناسان حرفه‌ای مالی و حسابداری این شمارگان کافی نیست. طبیعی است که با توجه به محدودیت‌های مالی، برای افزایش بیشتر شمارگان دست ما بسته است. به این دلیل تلاش کرده‌ایم که ماهنامه‌ی حسابدار به شکل الکترونیکی تحت اینترنت نیز ارائه شود تا محل مراجعه‌ی همه‌ی علاقه‌مندان به مباحث حرفه‌ای باشد. به این ترتیب، همه‌ی فارسی‌زبانان از تمامی نقاط جهان از

امکان دسترسی آن‌لین به مطالب ماهنامه برخوردار خواهند بود.

نکته‌ی دیگر و چه بسا مهم‌تر ارتقای کیفی ماهنامه است. ماهنامه حسابدار صرفاً نباید مقالات یا گزارش‌های خوب داشته باشد، این ماهنامه باید تلاش کند خوراک فکری لازم را برای حرفه‌ای در حال پویایی و ارتقا فراهم سازد. مطالب ماهنامه باید مرتبط با نیاز امروز و چشم‌انداز فردای حرفه باشد. یعنی باید مشکلات

امروز را آسیب‌شناسی کند، نقاط قوت و ضعف کنونی را بشناسد و سناریوهای آتی از چشم‌اندازهای فردا را ترسیم کند و راه غلبه بر این مشکلات و دسترسی به چشم‌اندازهای مطلوب را نشان دهد.

ماهنامه‌ی حسابدار ماهنامه‌ی حرفه‌ای به معنای دقیق کلمه است. موضوعات در ماهنامه‌ی حسابدار در مقام پژوهش‌های دانشگاهی مطرح نمی‌شوند، بلکه ما نیازها و ضرورت‌ها را در قالب و زبان حرفه‌ای بیان می‌کنیم. این همه البته به معنای این نیست که از پژوهش دانشگاهی بهره نمی‌بریم. پژوهش در دانشگاه‌ها آموزه‌های فکری ما را می‌سازد

اما ما این آموزه‌ها را با نیازهای حسابداری امروز ایران پیوند می‌زنیم تا کارکردی حرفه‌ای به آن‌ها بدهیم و آن‌ها را پاسخ‌گوی نیازهای حرفه‌ای بسازیم.

ماهنامه‌ی حسابدار چندصدایی است. به یک صدای خاص در حرفه تعلق ندارد. پژواک تمامی صداهاست و موظف است تمامی صداهای اعضای انجمن را بازتاب می‌دهد. در مسایل تخصصی می‌توان دیدگاه‌هایی متنوع داشت، این لازمه‌ی هر حرفه‌ی پویا و در حال رشدی است. ما نیز باید تمامی این دیدگاه‌ها را منعکس کنیم چرا که همه در نهایت یک هدف را دنبال می‌کنیم ارتقای حسابداری حرفه‌ای در کشورمان؛ هدفی که ذی‌نفع مستقیم آن تمامی متخصصان حسابداری و ذی‌نفع غیرمستقیم آن تمامیت نظام اقتصادی و اجتماعی کشور است.



از هنگام برگزاری مجمع مؤسس انجمن حسابداران خبره ایران در روز چهارشنبه دوم اسفندماه ۱۳۵۱، از زمانی که بزرگان حرفه‌ی حسابداری در ایران بنیان‌های انجمن را پی‌ریختند و تعداد اعضای انجمن انگشت‌شمار بود، تا امروز که انجمن با نزدیک

به هشت هزار عضو فراگیرترین تشکل حرفه‌ی حسابداری ایران شده است، روزهای پرفراز و نشیبی را طی کرده‌ایم. اما در تمامی این سال‌ها چراغ انجمن به همت بزرگان و پیش‌کسوتان و یاران ما روشن نگاه داشته شد و انتشار حسابدار نیز استمرار یافت. اکنون به چهلمین سالگرد انتشار نشریه حسابدار رسیده‌ایم و ماهنامه نیز در آستانه‌ی انتشار سیصدمین شماره‌ی خود قرار دارد، به عنوان منتخبان اعضای انجمن در شورای عالی با گوش جان انتقادهای اعضا را می‌شنویم و تلاش می‌کنیم ماهنامه را بیش از پیش به صدای پویای اهل حرفه در ایران بدل کنیم. ■





گفت و گو با فریده خلعت‌بری

پایه‌گذار و نخستین سردبیر ماهنامه‌ی حسابدار



فریده خلعت‌بری

نهالی نازک که درختی تناور شد

• ایده‌ی انتشار حسابدار چه گونه شکل گرفت؟

سال ۱۳۵۵ بود. تازه تحصیلاتم در انگلستان تمام شده بود و برگشته بودم ایران. فکر می‌کردم همه چیز مثل خارج باید مرتب و منظم باشد. اولین فکری که کردم این بود که باید در انجمن یک نشریه داشته باشیم که هم خبرهای انجمن را پوشش بدهیم و هم این که به هر حال مقاله‌ها و توضیحات جدید به خصوص آن چیزهایی که در ایران اتفاق می‌افتاد را بررسی کنیم و نشریه‌ای مشابه نشریه‌ی آن‌ها در انگلستان منتشر کنیم. با دوستان مطرح کردم. آن موقع آقای مهدی سمیعی رئیس شورای عالی بود. قرار شد برویم دنبال کار. رفتیم وزارت اطلاعات و جهانگردی آن زمان، که به اصطلاح مجوز بگیریم. پیش خودمان هم فکر کرده بودیم به محض این که برویم آن‌جا و بگویم می‌خواهیم یک نشریه‌ی حرفه‌ای راه بیندازیم سریع به ما مجوز می‌دهند و کار خیلی راحت است. اگر یادم باشد با مدیر کل آن موقع آقای تدین صحبت کردیم که انسانی فهمیده

و فرهنگی بود. گفت اگر نشریه‌ی حرفه‌ای هم باشد، ما نمی‌توانیم ابتداء به ساکن به آن مجوز بدهیم. مجوز را شماره‌ای و نوبتی می‌دهیم، یک مدتی که کار کردید اگر مشکلی نبود مجوز دائم می‌دهیم، چون ما نمی‌دانیم شما دقیقاً چه می‌خواهید. البته حق هم داشتند چون تجربه‌ی اول بود و شفاهی نمی‌توانستند اعتماد کنند. خلاصه گفتند شروع کنید ببینیم چه می‌شود. آمدیم و کار را راه انداختیم و شروع به برنامه‌ریزی کردیم. من هم همیشه فکر می‌کردم که برنامه‌ریزی باید بلندمدت باشد. از اولین کارهایی که کردم این بود که کاغذ به اندازه‌ی کافی برای ۲-۳ سال خریدم. گفتم بگذار اول کاغذ و مقوای مان درست باشد. بعد به یکی از دوستانم به نام خانم گیلارد عرفان که طراح و گرافیست بود و کارش هم خوب بود گفتم بیا طراحی مجله را انجام بده. بعد با همه‌ی دوستانی که آن موقع بودند، از خود آقای مهدی سمیعی بگیرد تا آقای مختار و آقای سجادی‌نژاد، با همه صحبت کردم و تأکید کردم که باید مقاله بدهید. اجباری هم

بود و گفتم از این حرف‌ها هم که مقاله ندارم و اینها نداریم. (خنده) خلاصه تعدادی هم مقاله‌ی خوب جمع کردم و با خودم گفتم ما همیشه باید برای حداقل دو شماره‌ی آینده‌مان مقاله داشته باشیم. بقیه چیزهایی که در مجله می‌گذاشتیم خبرهای روز بود و بحث‌های مختلف.

• مقالات بیشتر ترجمه بود یا تألیف؟

بیش‌تر سعی می‌کردیم تألیفی باشد. با کمک عزیزانی مثل آقای سجادی‌نژاد، آقای مختار و آقای سمیعی، همه‌ی این عزیزان مقاله‌های تألیفی می‌دادند. خیلی زحمت می‌کشیدند و واقعاً مقاله‌های خوبی برای مان می‌نوشتند. کارها را مرتب کردم و از اولین شماره هم برنامه‌ریزی کرده بودم و می‌دانستم دقیقاً جلد نشریه چه شکلی باید باشد و بعد به چه ترتیبی چه چیزهایی را در آن بگذارم. برنامه‌ریزی مشخص وجود داشت. مثلاً اگر دقت کرده باشید در آن شماره‌ها ما یک بخش زنگ تفریح گذاشته بودیم. در یک صفحه سؤال و معما طرح می‌کردیم و در صفحه‌ی

گزارش انجمن حسابداران خبره ایران



ترازنامه انجمن حسابداران خبره ایران در ۲۹ اسفندماه ۲۵۳۶ و حساب درآمد و هزینه برای سال منتهی به تاریخ مزبور که در صفحات ۴ تا ۸ بهوست منعکس گردیده، مورد رسیدگی اینجانبان قرار گرفته است. رسیدگی مزبور طبق استانداردهای پذیرفته شده حسابرسی انجام گردیده، شامل بررسی سوابق حسابداری و سایر عملیات حسابرسی بوده که در شرایط موجود ضرورت داشته است.

بنظر اینجانبان کاربرگهای مالی بهوست وضع مالی انجمن حسابداران خبره ایران را در ۲۹ اسفندماه ۲۵۳۶ و نتیجه عملیات آنرا برای سال منتهی به تاریخ مزبور به مو مطلوبی که اساس آن با سال گذشته بکساخت بوده، منعکس می سازد.

فریده خلعتبری

اودشیر بهنیش آق اولی

در مورد انتخاب بازرسان نیز ادامه خدمت بازرسان قبلی تایید گردید. بازرسان قبلی عبارت بودند از:

- ۱- خانم فریده خلعتبری
- ۲- آقای اردشیر بهنیش آق اولی

آئین نامه انتخابات شورای عالی به دلیل آنکه قلم بود مورد بحث قرار نگرفت و پیشنهاد اطلاع دهند.

تغییرات اعضای انجمن حسابداران خبره ایران

در ماههایی که گذشت همکاران زیر به جمع اعضای انجمن پیوستند:

- ۱- آیدی، علی، عضو اساسی حسابداری و علوم مالی، عضو اساسی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی
- ۲- اطمینان، فریروز، عضو اساسی حسابداری
- ۳- آویزه، سحران، عضو اساسی حسابداری
- ۴- ابرازاده، شاهرخ، عضو اساسی حسابداری
- ۵- بهایی، احمد، عضو اساسی مدیریت حسابداری ایران و زاین
- ۶- تهرانی، نوید، بهرام، عضو اساسی حسابداری
- ۷- خطیبیان، حسن، عضو اساسی حسابداری
- ۸- دانیان، هوتک، عضو اساسی حسابداری
- ۹- رفائی، محمد، عضو اساسی حسابداری
- ۱۰- شکرایی، فرید، حسن، عضو اساسی حسابداری
- ۱۱- شکوهی، زکری، فرامرز، عضو اساسی مدیریت بازرسان
- ۱۲- شهرناری، سناک، عضو اساسی حسابداری
- ۱۳- فاضلی، عزت الله، عضو اساسی حسابداری
- ۱۴- شرفانی، ابراهیم، عضو اساسی حسابداری
- ۱۵- صفاتی، فخرتجه، عضو اساسی حسابداری
- ۱۶- معانی، کوپانی، احمد، عضو اساسی حسابداری
- ۱۷- علوی، مصطفی، عضو اساسی حسابداری
- ۱۸- کانی، پور، حسن، عضو اساسی حسابداری
- ۱۹- گلستان، نژاد، حسن، عضو اساسی حسابداری
- ۲۰- کوهی، سعید، عضو اساسی حسابداری
- ۲۱- میراکندری، سیدجعید، عضو اساسی حسابداری
- ۲۲- میرزاعلی ناصی، منصور، عضو اساسی حسابداری
- ۲۳- سروانی، مقدم، عباس، عضو اساسی مدیریت بازرسان
- ۲۴- نجفی، مهی، علیرضا، عضو اساسی حسابداری
- ۲۵- نوری، فریدون، عضو اساسی حسابداری
- ۲۶- هشتی، اصغر، عضو اساسی حسابداری
- ۲۷- هشتی، عباس، عضو اساسی حسابداری



را گرفتیم. در شماره های اول و دوم، اگر یادتان باشد یا دیده باشید، اولش می نوشتیم با مجوز شماره ی فلان در تاریخ فلان. در داخل جلد می نوشتند. چون آن زمان فقط مجوز تک شماره می دادند و با این مجوز و تاریخ منتشر می شد. بعد که آمدیم مجوز دائم بگیریم به ما گفتند باید اسم سردبیر را به دبیر ارشد تغییر دهید. آن موقع استدلالشان این بود که سردبیر اصطلاحی است که برای روزنامه ها استفاده می شود. آن را استفاده نکنید. از شماره ی سوم در شناسنامه نوشتیم دبیر ارشد.

تیراژ مجله آن موقع ۱۲۰۰ نسخه بود. برای اعضای انجمن می فرستادیم. قرار بود ۵۰ نسخه آرشیو نگه داریم. دست آخر این و آن می گرفتند ولی حداقل ۲۰ نسخه را من شخصاً در هفت سوراخ انجمن قايم می کردم. ما تمام ضوابط و معیارها را کاملاً در نظر گرفته بودیم و مقاله های خیلی خوب و وزینی داشتیم. برنامه های انجمن را کاملاً معرفی

یکی از کارهای دیگری که قرار گذاشته بودیم حتماً انجام بشود این بود که هر شماره با یک نفر مصاحبه داشته باشیم و یک نفر از اعضای انجمن را به عنوان یک چهره، به بقیه بشناسانیم. دو صفحه را به این مصاحبه ها اختصاص داده بودیم که اطلاعات مختلفی به خواننده می داد. همه ی چیزها را مرتب کردیم و شماره ی اول را برداشتم و رفتم مجوزش

دیگری پاسخ آن را می گفتیم. یک سری طنزهای قشنگ را هم به تصویر می کشیدیم. آن ها خیلی خوب بود، برای این که هم مفهوم عمیقی داشت و هم قشنگ بود. چون به هر حال حرفه ی ما حرفه ی خشکی است و مطالبی که به حرفه مربوط می شود به تنهایی خیلی سنگین است. ولی به این شکل حتی یک غیر حرفه ای هم وقتی بخواند، برایش جذابیت دارد.

می کردیم، مثلاً مجامعی که برگزار می شد گزارش آن را منتشر می کردیم. حساب های مالی را کاملاً شفاف می گذاشتیم که همه ببینند. چون چیز پنهان کردنی ای وجود نداشت و می خواستیم خیلی شفاف عمل کنیم. شما آن ۱۲ شماره ما را که ورق بزنید، قشنگ می بینید که چه قدر بادقت و مرتب و با استاندارد کامل حرفه ای در می آوردیم که این با همکاری همه ی اعضای انجمن بود و همه هم دوست این کار را داشتند.

• به جز دوستانی که نام بردید چه افراد دیگری همکاری داشتند؟

همه بودند. حتی دکتر مهدی تقوی که بعدها

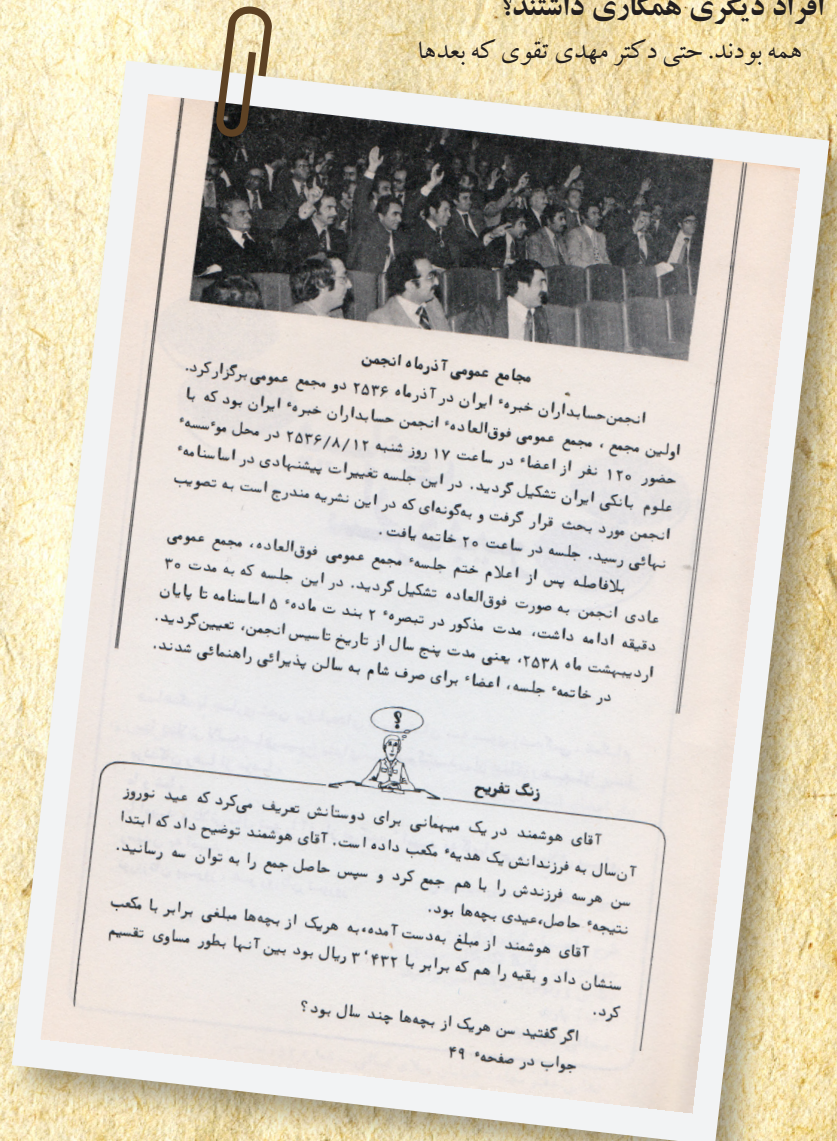
خودش آمد و سردبیر شد. کسی بود که از اول با ما همکاری می کرد. همان شماره های اول را هم که نگاه کنید، هم مقاله می نوشت، هم مقاله ترجمه می کرد. یعنی همه با هم بودند. من سعی می کردم کار، کار درستی باشد و حتی آن موقع ها خودم هم - من تبیل که هیچ وقت از این کارها نمی کنم! - وقت می گذاشتم و خودم هم مقاله می نوشتم و دو سه مقاله ی نسبتاً مفصل در آن شماره ها دارم. آن شماره ها دقیقاً نشان می دهد اعضای شورای عالی چه کسانی بودند؛ بازرس ها چه کسانی بودند؛ در کار گروه ها چه

کسانی عضو بودند؛ هر کدام چه می کردند؛ همه چیز کاملاً مشخص است. همه چیز سر جایش است. در شماره های مختلف مجله دوستانی مثل آقای دهدشتی، آقای فخاریان، آقای الماسیان، آقای ابریشمی، آقای فاطمی، آقای طباطبایی و بسیاری دیگر مقاله می نوشتند.

• همکاری شما تا چه زمانی با مجله ادامه داشت؟

ما تا آخر سال ۱۳۵۷ بودیم و ۱۲ شماره منتشر کردیم. آخرین شماره ای که در سال ۱۳۵۷ در آوردیم شماره ی بهمن و اسفند بود. مجوز ما دوماهه بود. دو شماره ی اول که مجوز موردی داشت و بعد هم که مجوز گرفتیم دو ماهنامه بود که سر موعد و تاریخ مشخص منتشر می شد. چون آن موقع آن قدر اتفاق های عجیب و غریب نمی افتاد که هر ماه بخوایم نشریه ای داشته باشیم و دو ماه یکبار کافی بود. اسم اعضای جدید را می نوشتیم. اگر به آن شماره ها نگاه کنید خیلی از عزیزانی که الان هستند آن موقع اصلاً نبودند و سال ها بعد آمدند و به تدریج اضافه شدند. مثلاً فکر می کنم آقای هشی چند سال بعد آمد. به طور کلی همه را می نوشتیم و توضیح می دادیم. صفحه ی یک چهره خیلی خوب بود. معرفی یکی از اعضا بود. بعد همه یک مقداری فکر می کردند که آقا چرا فلانی را گذاشتی اول و ما را نگذاشتی. گفتم صبر کنید نوبت به همه می رسد (خنده) فرقی نمی کند و من به صورت تصادفی و رندوم انتخاب می کنم. البته بیش تر از اعضای شورای عالی شروع کرده بودیم. آقای شرکا، آقای احمد فاطمی، آقای سجادی نژاد، آقای زینی بود که روحش شاد. او هم جزو اولین کسانی بود که با آن ها صحبت کرده بودم. بعد آقای خردجو که او هم بین ما نیست. خیلی هاشان نیستند، از خیلی هاشان خبر نداریم. مثلاً من هیچ وقت از آقای انصاری خبر نداشتم و نمی دانم کجا هستند. صفحه ی یک چهره را آقای نجفیان آماده می کردند.

همه چیز خوب بود. خیلی روح همکاری



يك خبر



در همراه گذشته آقای پیتر رئیس انجمن حسابداران خبره، بریتانیا به همراهی همسران و آقای آرمون، یکی از اعضا، انجمن، برای یک دیدار چهار روزه به ایران آمدند.

هدف از این سفر شناساندن هرچه بیشتر انجمن حسابداران خبره بریتانیا و نشان دادن این نکته بود که آن انجمن چگونه و تا چه حد می‌تواند در آموزش دانشجویان حسابداری ایران و توسعه، این حرفه به‌طور کلی، مؤثر باشد.

در این دیدار آقای پیترز با مقامات عالیه‌ترین کشور، بازرگانان، صاحبان صنایع و حسابداران ملاقات‌هایی داشتند و در چندین صیافت که از طرف انجمن حسابداران خبره، ایران و ایرانیان عضو انجمن حسابداران خبره، بریتانیا برپا گردیده بود نیز شرکت جستند.

امید است با این دید و بازدیدها موجبات استحکام دوستی و همکاری هرچه بیشتر انجمن حسابداران خبره، ایران و انجمن حسابداران خبره، بریتانیا فراهم آید.

۱۹

خوبی وجود داشت یعنی من واقعاً هیچ وقت فشاری رویم نبود. این را واقعاً می‌گویم. درست است که همیشه حواسم شش‌دانگ جمع بود که به‌موقع برسیم اما فشاری رویم نبود. گروه هیأت تحریریه مرتب دور هم هر هفته جمع می‌شدیم. کار گروه داشتیم و آیین‌نامه نوشته بودیم. برای همه‌ی گروه‌ها آیین‌نامه داشتیم. همه شفاف در آن ۱۲ شماره وجود دارد. آن ۱۲ شماره تاریخ مکتوب انجمن است از ابتدا تا سال ۱۳۵۷. بعد از انقلاب یک مدت مجله نداشتیم. شلوغ شده بود و یک‌سری از برویچه‌ها، ۳ به‌دست و با لباس کمیته می‌آمدند در جلسات. کسی نبود بگوید این‌جا جلسه‌ی انجمن است اسلحه چه می‌گوید؟!

• نکته و جذابیتی که برای یک مخاطب معمولی فارغ از حسابدار بودنش در این مجله مهم است و ارزش هنری دارد، آرم معروف انجمن است که مرتضی ممیز طراحی کرده است. نظر تان در این باره چیست؟

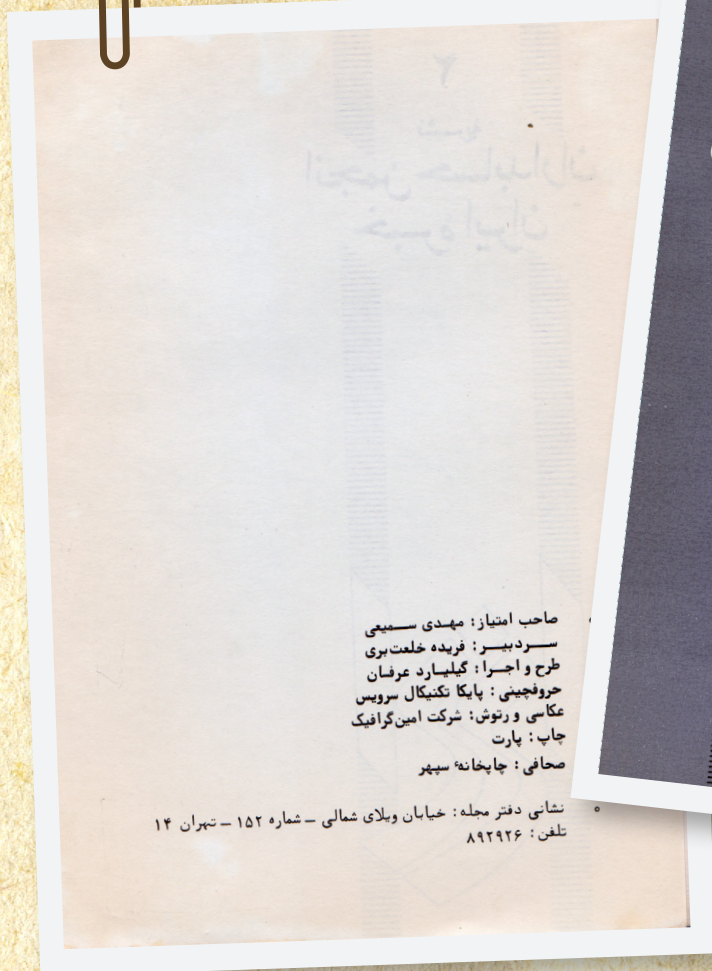
آقای مرتضی ممیز یکی از قشنگ‌ترین آرم‌های این مملکت را برای ما طراحی کرد و این کار یکی از زیباترین کارهای آقای ممیز و از زیباترین آرم‌هایی است که در کشور وجود دارد. این مورد از آن مواردی بود که ما همیشه خیلی به آن افتخار می‌کردیم. روی نشریه مخصوصاً ما فقط از آرم استفاده می‌کردیم. معتقد بودیم حیف است یک چنین تزیینی دیده نشود و اصلاً هر چیز دیگری اضافی ست و وقتی خودش می‌آید کفایت می‌کند. خیلی زیبا بود. به نظر من آرم یک شاهکار است. در کارهای ممیز هم هیچ‌کدام به پای این کار نرسید. در عین سادگی زیباست. پیچیدگی ندارد. فقط حروف اول انجمن حسابداران خبره ایران. ولی چیدمان و آن حالت ح و خ پشت سر هم واقعاً شاهکار است.

• مسأله‌ای که در شماره‌های اول حسابدار به چشم می‌آید اهمیت دادن

به مسأله‌ی فرم و شکل انتشار است.

بله، در مورد طراحی پیش‌بینی‌های خوب و اقدامات متفاوتی انجام دادیم. حتی رنگ جلدی که انتخاب کرده بودیم کاملاً در شأن مجله بود؛ یک نوع بنفش که سیر و روشن می‌شد. همه از جلد معمولی استفاده می‌کردند ولی مقوای مورد استفاده‌ی ما یک مقدار کلفت‌تر بود، به اضافه‌ی این که جلدمان لب‌برگردان داشت که این خودش وزن بالاتری به نشریه از نظر طراحی و گرافیکی می‌داد که تاریخ و عنوان مطالب ذکر می‌شد. صفحه‌ی سفیدی به اول و آخر مجله اضافه می‌کردیم. چیزهای خاصی برایش در نظر گرفته بودیم. ما کاغذ خیلی سفید استفاده نمی‌کردیم چون کاغذ سفید چشم را آزار می‌دهد. کاغذ باید یک مقداری کرم‌رنگ باشد تا چشم را

آزار ندهد. بنابراین ما از اول کاغذ و مقوای مناسب گرفتیم. قطع را مخصوصاً کوچک نگه داشته بودیم برای این که راحت‌تر بتواند در دست قرار بگیرد و خواننده بشود و حمل آن هم آسان باشد. آن‌هایی که بزرگ است فقط به درد این می‌خورد که روی میز نگاه کنی و بگذاری کنار. می‌خواستیم دم دست همه باشد و مثل کتاب بتوان آن را در کتابخانه نگاه داشت. شما اگر به آن شماره‌ها نگاه کنید نه غلط و پر استاری دارد نه غلط املایی. با وجود این که می‌دانید در آن موقع کامپیوتری وجود نداشت و سال‌ها بعد بود که IBM چند دستگاه کامپیوتر وارد کرد و همه چیز دستی بود. تازه آن اواخر بود که تراست آمده بود و ما می‌توانستیم از آن برای تزیین استفاده کنیم. تراست چیزی شبیه عکس‌برگردان است که



برای کارهای حرفه‌ای و طراحی درست شده است. مدیر چاپ پارت آدمی است که بهترین عکاس ایران است و فوق‌لیسانس در این کار دارد و کاملاً کار هنری می‌کند، آن زمان برای اولین بار آن را درست کرد و ما استفاده کردیم. بعضی طرح‌ها و حروف را درست کرده بود و مادر برخی موارد به جای دست از لتراست استفاده می‌کردیم. به جز لتراست بقیه همه کار دست بود و طراحی می‌کردیم، بعد می‌دادیم کلیشه‌اش را درست می‌کردیم و ماکت می‌کردیم. کاغذ ماکت داشتیم. کاغذ ماکت کاغذهای گلاسه‌ای بود که روی آن با خط خیلی کم‌رنگ آبی فیروزه‌ای خط کشی شده بود که در فیلمی که می‌خواستند از آن بگیرند خط‌ها نمی‌افتاد. همه بچه‌هایی که کار می‌کردند از این پنس‌های پزشکی داشتند که خیلی نوک ظریف و باریکی دارد. بعد حروف

را با آن بر می‌داشتند چسب می‌زدند و روی کاغذ و صفحه ماکت می‌چسباندند که ته‌بندی آن درست باشد. چون خودشان نمی‌توانستند در کار ته‌بندی کنند. برای ته‌بندی این‌ها دانه‌دانه چیده می‌شد بغل هم.

• الان با وجود کامپیوتر تصور این نوع کار بسیار سخت است. پس برای تصحیح غلط‌ها کلی به دردسر می‌افتادید؟

بله. یک سیستم عهد حجرری بود(خنده) مثلاً فرض کنید یک جا غلط داشت. خب می‌خواستیم غلط را اصلاح کنیم نمی‌توانستیم آن را مثل کامپیوتر کات کنیم. باید آن حرف اشتباه را می‌بریدیم و با پنس بر می‌داشتیم و حرف درست را به جای آن می‌زدیم و طوری

باید می‌زدیم که درست و دقیق بیفتد سر جایش و گاهی اگر یک سرسوزن بین این‌ها فاصله می‌افتاد این فاصله در کار دیده می‌شد و همه چیز خراب می‌شد. توی فیلم هم البته روتوش می‌کردیم ولی این جا هم با راپیدهای خیلی نازک درست می‌کردیم. غیر از این کارهایی که گرافیکست‌های ما می‌کردند؛ من خودم هم کاملاً یاد گرفته بودم و خیلی جاها دقت می‌کردم که مثلاً اگر یک ذره کج چسبانده شده بود، خودم فوراً می‌بریدم و در دقیقه‌ی آخر درستش می‌کردم. حروف چینی که می‌شد می‌خواندیم و غلط‌گیری می‌کردیم و دوباره می‌رفت و می‌آمد. کسی که کار لیتوگرافی ما را انجام می‌داد یکی از بهترین‌ها بود. کلاً بهترین‌ها را انتخاب کرده بودیم، مثل

نشانی دفتر مجله: خیابان ویلا شمالی - شماره ۱۵۲ - تهران ۱۴
تلفن: ۸۹۲۹۲۶

چاپخانه‌ی سپهر. من در انتشارات خودم هنوز هنوز با امین گرافیک کار می‌کنم.

• همین انتخاب‌ها بود که حسابدار را حتی نسبت به دیگر مجله‌های حرفه‌ای متمایز می‌کرد.

بله. دلم می‌خواست حسابدار بهترین باشد. همیشه و هنوز هم دنبال این هستم که هر کاری می‌خواهم بکنم، بهترین باشد. دوستم خانم عرفان هم گرافیکست درجه یک این مملکت بود. هرکاری هم می‌کرد من هم حضور داشتم و همیشه هم تا یکدم این بود که: «بین گیلی‌جان! می‌خواهم بهترین باشم» یعنی روی این بهترین بودن خیلی دقت می‌کردیم.

همه‌ی شماره‌ها مرتب و یک‌شکل، یک‌اندازه و یک‌قد و خیلی تروتمیز و قشنگ بود. نشریه‌ی ما طوری شروع شد که هر کسی امروز بعد از ۴۰ سال نگاه کند مو لای درزش نمی‌رود. یعنی بعد از ۴۰ سال هیچ کسی حتی امروز نمی‌تواند ایراد صفحه‌بندی یا صفحه‌آرایی بگیرد. همه‌ی اعداد و حروف ما فارسی بودند. جدول کشیدن و نوشتن اعداد در آن زمان کار راحتی نبود. نمودارها همه دستی رسم می‌شد. هاشورها همه دستی بود. صحافی هم خوب بود. بعد از این همه سال می‌بینید که این نسخه‌ها سالم مانده است. این کافی نیست که بگوییم ما اولین نشریه حسابداری را داشتیم و کار حرفه‌ای را شروع کردیم و ۴۰ سال است تداوم دارد. نه! ما قدمی برداشتیم که همه ماندند توی آن. همه‌ی کارش کاملاً حرفه‌ای و با امکانات در حد صفر آن زمان بود. حتی کتاب‌هایی که آن موقع در می‌آمد این قدر کار حرفه‌ای نداشت. امکانات خیلی کم بود. همه‌ی کسانی که آن موقع بودند همین جور با عشق کار می‌کردند. من یادم هست که خود آقای مهدی سمیعی با تمام گرفتاری‌هایی که داشت ولی چقدر وقت می‌گذاشت. مقاله‌ها حتماً باید سه تا رای مثبت می‌آورد. آقای سجادی‌نژاد را همه قبول داشتند. آقای مختار واقعاً در کار خود حرف داشت. آقای مهدی سلیمی مقاله

می‌داد. همه در عین این که تخصص داشتند و حرفه‌ای بودند و مسئولیت‌های مختلف در انجمن داشتند ولی واقعاً علاقه‌مند بودند. یادم است که در شماره‌ی اول دوم یک سرمقاله‌ای نوشته بودم که در آن نوشته بودم ما قدم اول را برداشتیم و نهالی را کاشتیم که امیدارم روزی وقتی یک درخت خیلی تناوری بشود همه بتوانیم از آن استفاده کنیم. و الان واقعاً شده است. چه قدر سال‌های زیادی گذشته است.

خیلی خوب و قشنگی بود. این قدر خاطره‌های خوب از ساختمان انجمن در خیابان ویلا دارم. همه می‌آمدند. بعد از ظهر که می‌شد همه دور هم جمع بودند. گاهی ناهار و گاهی که جلسه طول می‌کشید، شام را با هم می‌رفتیم بیرون. ما خودمان یک تعدادی از بچه‌ها تا همین الان هنوز هم گاهی برنامه‌ی ناهارها را حفظ



چه خوش است نظاره نهالی که پای گرفته است، ریشه در خاک دارد و رشد می‌کند، نهالی که بهما تعلق دارد، به‌دست ما کاشته شده و ما آن را آبیاری کرده‌ایم. انتشار دومین شماره نشریه رویش نوناخای است که پذیرا شدن نهالمان را از سوی خاک نوید می‌دهد. از این پس نهالمان می‌رود تا در جمع درختان کهنسال قد برافرازد، باشد تا روزی آنچنان ریشه درخاک دواند و تنومند گردد که دیگرهراسی از باد و طوفان نباشد! این غایت آرزوی ماست. پس از انتشار اولین شماره بسیاری از همکاران با پیامهای گرمشان ما را در انجام مهمی که برعهده داریم تشویق کردند و دلگرمان ساختند که همواره از پشتیبانی و همفکری آنان برخوردار خواهیم بود، ولی ما به چیزی بیش از تشویق و پشتیبانی نیاز داریم، زیرا بدون همکاری مؤثر و جدی هرگز نخواهیم توانست نشریه‌ای ارزنده با مطالبی خواندنی در اختیاران قرار دهیم. همکاری شما را به هرگونه و در هر زمینه‌ای که باشد بسیار ارج می‌نهیم.

کرده‌ایم. آقای زینی تا وقتی بود، می‌آمد. آقای فاطمی می‌آید. آقای شرکا می‌آید. آقای گلستانه می‌آید. آقای منوچهر بیات می‌آید. به قول بچه‌ها، پیرپاتال‌های این زمان هنوز هم گاهی دور هم جمع می‌شویم و به یاد روزهای گذشته با هم دیدار داریم. ولی آن موقع بیشتر بود. ■

آن شب در جشن بچه‌ها می‌گفتند این جوری که می‌گویند مجله ۴۰ ساله شده سن تو پیر می‌شود (خنده) یادم است یک موقع رییس انجمن حسابداران انگلستان به همراه همسرش به دعوت انجمن آمده بودند ایران. در انجمن یک مهمانی برای‌شان گرفته بودیم که مهمانی



محمد شلیله
سر دبیر
پیشین «حسابدار»

خودکاری در یک دست

حشره کشی در دست دیگر

مسئول داشت و یکی - دو همکار پاره وقت. در چنین شرایطی دو گزینه‌ی گریزناپذیر پیش روی انجمن قرار داشت: «تعطیل» یا «توسعه». که تنها احساس مسئولیت تنی چند از اعضای شورای عالی و دیگر اعضا و یکی - دو نفر از همان همکاران پاره وقت بود که نگذاشتند چراغ انجمن خاموش شود و تعلیق ناخواسته‌ی فعالیت‌های انجمن، سرچشمه گرفته از شرایط آن دوره را، تاب آوردند. با این که قصد ندارم در این نوشته از آن اعضا و کارکنان نام ببرم، اما دریغ است نام پرویز افتخار جواهری، حسابدار هنرمند ادیب و خطاط چیره دست و سخنور اثرگذار و شخصیت آراسته به فضیلت‌های اخلاقی مثال‌زدنی و وسعت نظر را، که آن زمان ریاست شورای عالی (به تسامح ریاست تسخیری) انجمن را پذیرفته بود، نیاورم. به ویژه از آن که، کم‌تر کسی را آن روزها می‌شد یافت که مسئولیت انجمنی در چنان شرایطی را بپذیرد.

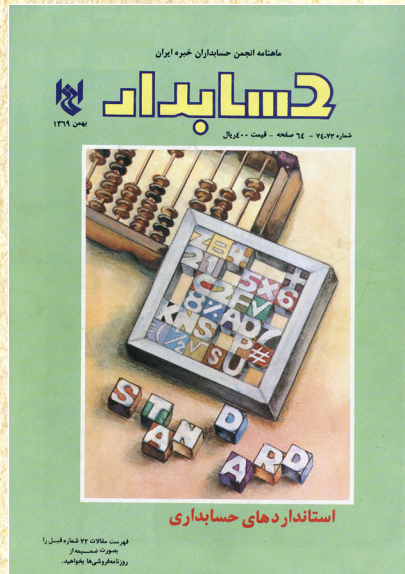
با گذشت زمان، گزینه‌ی «توسعه» ی انجمن بسر «تعطیل» آن برتری یافت و انگیزه‌ی بالای

تازه به عضویت انجمن حسابداران خبره ایران در آمده بودم؛ سال‌های نیمه‌ی دوم دهه‌ی شصت بود انگار. چندی که گذشت نامه‌ای از انجمن دریافت کردم مبنی بر این که اگر به مشارکت در فعالیت‌های انجمن علاقمند باشم، می‌توانم برای عضویت در یکی از کمیته‌های انجمن اعلام آمادگی کنم و در صورت تصویب شورای عالی انجمن به عضویت آن درآیم. همکاری با کمیته‌ی انتشارات را برگزیدم، مورد قبول شورای عالی انجمن قرار گرفت و به کمیته‌ی نام‌برده پیوستم، که همزمان بود با دوره‌ای که فعالیت‌های انجمن رو به کاهش گذاشته بود و با مشکلات مالی روبه‌رو بود؛ «حسابدار»، نشریه‌ی انجمن هم که با همت آن‌ها که پیش‌تر آن را تأسیس کرده بودند و در میان اعضا و خوانندگان‌ش موقعیتی یافته بود، به دلیل شرایط مهمی که بر وضعیت حرفه حاکم شده بود، کم‌تر مورد توجه قرار داشت و به‌ندرت مطلب و مقاله به مجله می‌رسید؛ تعداد اعضای خود انجمن هم با تعداد اعضای آن در این زمان قابل قیاس نبود؛ یک مدیر

کسانی که مشارکت‌شان به بازسازی ساختار فعالیت‌ها و طراحی برنامه‌های آینده‌ی انجمن انجامید، از توسعه‌ی آن پشتیبانی می‌کرد؛ گرچه ممکن بود درک و تحلیل و نظرو حتی هدف هر کس در آن جمع با دیگری تفاوت داشت؛ هر چه بود به سامان گرفتن جمع و کاری جمعی منتهی شد و هر یک از ما کار و وظیفه‌ای را که هر یک پیچیدگی‌های خودش را داشت عهده‌دار شدیم و من شدم سر دبیر «حسابدار» و نزدیک به یک دهه در آن کار ماندم. کامپیوتر که نداشتیم هیچ، ماشین تایپ درست و حسابی هم نداشتیم. یک ماشین تایپ در انجمن بود که اگر کار نامه‌نگاری‌ها و تنظیم مکاتبات را جوابگو بود خیلی خوشحال می‌شدیم. اما همان ماشین هم بارها عیب و ایراد پیدا می‌کرد. مثلاً پایه‌ی حرف «ض» که به گمانم حرف «ص» هم روی همان پایه قرار داشت می‌شکست یا کار نمی‌کرد که در اثر آن حرف‌های «ض» و «ص» را نمی‌شد تایپ کرد. مقاله هم که بیش از این گفتم نداشتیم، اگر هم مقاله‌ای به مجله

می‌رسید اغلب با دست نوشته شده بود؛ بعد هم شماری از آن‌ها به ویرایش محتوایی معمول تا مبرم نیاز داشت و اگر هم خط نویسنده‌ی گران‌قدر به قدر کافی خوانا نبود، افزون بر کار ویرایش محتوایی، اول می‌باید می‌توانستی حرف‌ها و واژه‌های ناخوانا را شناسایی کنی و در درون متن با خود کار نوشته شده‌ی گاه شتاب‌زده، صورت صحیح‌اش را دریابی و بنویسی که بعد و در پایان، ماشین‌نویس دفتری که خدمات تایپ به انجمن ارائه می‌داد، بتواند آن را بخواند اگر که به آسانی به تشخیص آن‌ها توفیق می‌یافتی. کار پیچیده تر شد وقتی که از خدمات ویرستاری ادبی هم بهره‌مند شدیم که اصلاح و تصحیح روی هم و ویرایش متن دستنویس در بین سطرها و در حاشیه‌ی متن، کار خواندن را برای ماشین‌نویس دشوارتر می‌ساخت و بارها در متن‌های ماشین‌شده اشتباهات تایپی اتفاق می‌افتاد؛ می‌آمد دفتر مجله، باید تصحیح می‌شد، برمی‌گشت دفتر ماشین‌نویسی. یا خودم باید می‌رفتم می‌نشستم کنار دست ماشین‌نویس، متن مقاله را بخوانم و او ماشین‌کند. طراحی صفحه‌ها و متن مقاله‌ها خود حکایت دیگری داشت. هنوز حرفه‌چینی مجله به صورت دستی و با حروف سربی انجام می‌شد. صفحه‌آرای مجله این کار را در آشپزخانه‌ی خانه‌اش انجام می‌داد. پس بارها تا انتشار یک شماره باید می‌رفتی به خانه‌ی او کار را نگاه کنی، پرسش‌های احتمالی طراح را پاسخ بگویی و برخی دقت‌ها را در مورد صفحه‌ها به کاربندی و با طراح مشورت کنی و راهنمایی بگیری. تا اینکه اوزالید مجله آماده شود و برای چاپ به دبیرخانه‌ی انجمن بسیاری که البته به‌قاعده، مجله باید فرد مسئولی برای این کار داشت که نداشت و چون پول کافی در بساط نبود این بخش از کارهای انتشار مجله را دبیرخانه پذیرفته بود. تا دو - سه سالی یا بیش‌تر و کم‌تر شاید، سردبیر هم کسی را برای انجام این کارها نداشت؛ مثلاً کسی که کار آوردن و بردن مقاله‌ها را

به دفتر ماشین‌نویسی یا به خانه‌ی صفحه‌آرای مجله یا به خانه یا محل کار ویراستار ببرد و بیاورد، یا نمونه‌خوانی که متن‌های پیش از چاپ را با اصل آن‌ها و دقایق مورد نظر طراح صفحه‌ها، تطبیق دهد؛ محدودیت‌هایی که با کار مضاعف هر یک از ما جبران می‌شد. باید تا آخر شب در محل انجمن می‌ماندی تا آن‌که سرایدار ساختمان بیاید و هشدار دهد که وقت خوابش شده و می‌خواهد در پایین را ببندد. یا اگر صبح زود روز تعطیل باید آنجا بودی و در بسته بود ناگزیر باید منتظر می‌ماندی تا وقتی سرایدار می‌آمد پایین، در را باز می‌کرد بروی نمان بخر و تو بتوانی خودت را به طبقه‌ی دوم



دفتر انجمن و اُتافک یا انباری که محل استقرار سردبیر بود برسانی؛ جایی که سوسک‌ها از در و دیوار و روی کلاسور مقاله‌های در دست ویرایش یا آماده‌ی چاپ در رفت‌وآمد بودند و سردبیر که ناگزیر بود با خود کاری در یک‌دست و حشره‌کشی در دست دیگر کارهای تحریری را به انجام برساند. با وجود این، «حسابدار» رونقی نسبی یافت؛ شکل و محتوای آن به صورت چشمگیری تغییر کرد که با مراجعه به آن می‌شد از رویدادهای حسابداری و حسابداری حرفه‌ای در ایران آگاه شد؛ مستند چگونگی برخی رویدادها و تحولات تعیین

کننده‌ی حسابداری ایران شد؛ شمارگانش افزایش قابل توجه یافت؛ محلی شد برای نشر و تبادل آرا و دیدگاه‌های طیف‌های گوناگون از دانشگاهیان و پژوهش‌گران تا حسابداران حرفه‌ای و هر کس که با حسابداری آشنا بود و قلمرو تخصصی‌اش با حسابداری پیوند داشت. مشوق شماری از حسابداران در زمینه‌ی انتشار دیدگاه‌هایشان شد. خریده شد، خوانده شد، و نقد و تحسین شد؛ اگرچه تا آخرین روزی که من آن‌جا بودم سوسک‌ها هم آنجا بودند.

حاصل کار هر چه بود دستاورد کار جمعی بود. مجموعه‌ی کارهای پشتیبانی انتشار «حسابدار» از تأمین مالی و تأمین کاغذ گرفته تا ده‌ها نیاز و هماهنگی دیگر آن‌قدر متعدد و با پیچیدگی‌های کم‌وبیش همراه بود که اگر همکاری دیگران در میان نبود، انتشار مجله سرانجام نمی‌گرفت یا به آن‌چه رسیدیم، هر چه بود، نمی‌رسیدیم و ای بسا انتشارش در آن شرایط به کلی ناممکن می‌شد؛ منتها این را هم می‌توان در نظر آورد که اگر کس دیگری سردبیر آن دوره‌ی «حسابدار» بود سبک و محتوای نشریه با آن‌چه بود متفاوت می‌شد.

در پایان از فرصت مغتنمی که سردبیر کنونی انجمن در چهل‌مین سالگرد تأسیس «حسابدار» برای شرح خاطرات آن دوره به من اعطا کرده‌اند، بهره می‌گیرم و ادای احترام می‌کنم به همه‌ی آنها که در آن دوره یاریگر انتشار نشریه بودند؛ از اعضای شورای عالی در آن دوره، از پژوهشگران و نویسندگان مقاله‌ها گرفته و از اعضای دیگر کمیته‌های انجمن، از آنها که از مشورت‌ها و راهنمایی‌های اثرگذارشان بهره‌مند بودیم، از صفحه‌آرا و ویراستار و ماشین‌نویس و مسئولان چاپخانه‌ها و توزیع‌کنندگان حسابدار و سپاس ویژه از همه‌ی کارکنان و همکاران آن زمان انجمن که بی‌دریغ به ما یاری می‌دادند و از حاجی مسئول آبدارخانه که دم به دم چای لب سوز به سردبیر می‌رساند. ■

آذر ۱۳۹۵

آتاوا - کانادا



مجید میراسکندری

ماجرای

ماهنامه‌ی حسابدار

قبل از انتشار مجله‌ی حسابدار در سال ۱۳۵۵، کوشش‌های متفرقه‌ای برای انتشار نوعی نشریه‌ی حسابداری انجام شده بود، از جمله چند شماره از جزوه‌ای به نام چرتکه، اما با فعال شدن نسبی انجمن که چهار سال قبل از آن تشکیل شده بود، در پاییز ۱۳۵۵، حسابدار با سردبیری فریده خلعتبری منتشر شد و تا قبل از انقلاب ۱۲ شماره از آن بیرون آمد که در موقع خود بی نظیر بود!

اما دوره‌ی جدید آن از آذر ۱۳۶۳ به سردبیری دکتر مهدی تقوی که از همان هنگام مدیر مسئول مجله بود، منتشر شد که تاکنون و بدون وقفه همچنان منتشر می‌شود. فکر می‌کنم دکتر تقوی، رکورد پیوستگی مدیر مسئولی مجله را در ایران در اختیار داشته باشد. به نظر من هیچ مجله‌ای نداریم که مدیر مسئول خود را این قدر تحمل کرده باشد، در تاریخچه‌ی وزارت ارشاد هم نداریم که به مدیر مسئول نشریه‌ای در این مدت طولانی به اصطلاح «گیر» نداده باشد، بگیر و ببند و زندان که پیشکش! البته سعی کردیم که تند و تیز

بنویسیم که بگیرندش ولی خوشبختانه معلوم شد اهل بگیر و ببند، حسابدار نمی‌خوانند! از شوخی گذشته، مهدی تقوی نازنین انسانی است که امیدوارم حداقل چهل سال دیگر هم مدیر مسئول باشد.

می‌خواهم بیش تر به دوره‌ای پردازم که دبیرکل انجمن و مدیر اجرایی مجله بودم یعنی از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۴، به ویژه سال ۱۳۶۹ که تحولات خوبی در مجله صورت گرفت.

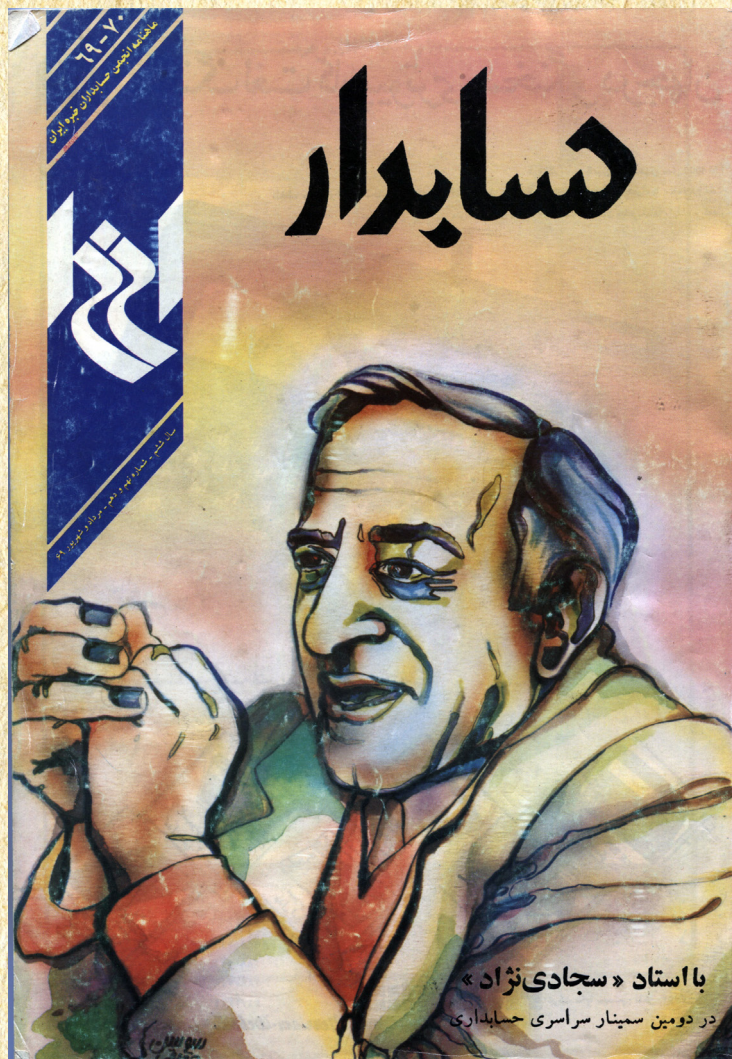
مجله دوره جدید به قطع و فرم سابق از سال ۶۳ تا سال ۶۹ منتشر شد که تا پایان سال ششم (شماره ۷۲) را دربرمی گرفت. آن موقع عموماً مجله دو شماره بود.

شماره ۶۸-۶۷ مربوط به خرداد و تیر ۶۹، آخرین شماره‌ای بود که به صورت سیاه و سفید و بدون آگهی تبلیغاتی بیرون آمد. آن موقع آقایان محمد شلیله، دکتر حسین عبده تبریزی، حیدر مستخدمین حسینی، مسعود دادگر، کورش پرتوی، اینجانب و ناصر غلامی که به نظر من اعضای کمیته‌ی انتشارات بودیم، شروع کردیم به فکر درمورد بهتر کردن فرم

چاپ مجله، از جمله این که روی جلد رنگی باشد، آگهی بگیرد و خلاصه بفروشد.

با طرح مسئله، اختلاف نظرها شروع شد، بیش تر از این باب که محافظه کاری سنگینی بر انجمن و طبعاً مجله‌ی آن حاکم بود، سال‌هایی بود که موجودیت انجمن در خطر بود و اعضای شورای عالی نمی‌خواستند این مسئله، اشکالات را بیش تر کند ضمن اینکه تبلیغات در حرفه به نوعی «تابو» بود. اما نمی‌شد جلو نرفت، کلی جلسه گذاشتیم تا چه گونه شورای عالی را در جریان بگذاریم تا مخالفت نکند. خلاصه با گرو گذاشتن ریشی که نداشتیم، به همراه بعضی از اعضای کمیته‌ی انتشارات خصوصاً محمد شلیله در یکی از جلسات تاریک شورا، توانستیم ضمن گرفتن پنجاه هزار تومان بودجه، اجازه‌ی چاپ آگهی‌های البته بسیار محدود از لحاظ موضوع و شکل، (از جمله در اوایل کار فقط نرم افزارهای حسابداری و حداکثر سخت افزارهایی که برای استفاده از آن نرم افزارها لازم باشد) مصوبه‌ی لازم را بگیریم.

حسابدار



بااستاد «سجادی نژاد»

در دومین سمینار سراسری حمایتی

بود تا به فکر طراح صفحات، تهیه کاغذ برای قطع بزرگ، کاغذ کلاسه برای روی جلد و بقیه‌ی لوازم کار باشیم.

شانس خوبی که آوردیم این بود که مرحوم پرویز خوانساری را برای طراحی پیدا کردیم، پرویز خان، اولین طراح و صفحه‌آرای مجله در ایران بود که قبل از انقلاب از طرف روزنامه‌ی کیهان به فرانسه فرستاده شده بود تا دوری آموزشی این کار را بگذراند و الحق که استعداد غریبی داشت و آن‌هایی که حداقل به اندازه‌ی من سن دارند، به یاد می‌آورند که مجله‌ی زن روز (از انتشارات کیهان) چه وزن و ابهت و شکوه و جلالی داشت و اعتقاد همگان این بود که صفحه‌آرایی زن روز دلیل موفقیت آن است؛ چون اطلاعات بانوان نیز که در آن زمان‌ها منتشر می‌شد، به هیچ وجه بُرد زن روز را پیدا نکرد.

اولین شماره‌ی اندازه‌ی جدید، آغاز هفتمین سال مجله با شماره‌ی ۷۴-۷۳ بود که خوب با سابقه‌ی کار خیلی متفاوت بود. یادم هست که قبل از ارسال ماکت مجله به لیتوگرافی چند شب پیاپی با آقای محمد شلیه می‌رفتیم منزل مرحوم خوانساری که در جریان قرار بگیریم. مثل بچه‌هایی که یک توپ پلاستیکی نو برایشان خریده باشی، شاید آن مجله را صد بار خوانده بودیم!

قیمت مجله ۴۰۰ ریال بود، به اندازه‌ی قیمت مجله‌ی سابق، حروف چینی آن را خانم مژگان بنی‌هاشمی، همکار آن زمان دکتر عبده در انتشارات پاپیروس، انجام داد، روی جلد را خانم سوسن حقیقی درست کرد و هیأت تحریریه که آن موقع تحت عنوان «همکاران این شماره» معرفی شدند عبارت بودند از همان‌ها که قبلاً نام بردم.

ویراستار مجله، از چند ماه قبل از آن پرویز شمس بود که بعداً به علت معذوریتی که برایشان پیش آمد مجله را ترک کرد. سپس با معرفی پرویز خان خوانساری، با مرحوم جمشید ارجمند آشنا شدیم که شرح ماجرا و

رنگی منتشر کردیم، اولی برای نخستین بار تصویراستاد حسن سجادی نژاد، که تازه مرحوم شده بودند را داشت، البته تصویر مناسبی از استاد نداشتیم که بگذاریم روی مجله، خانم سوسن حقیقی که گرافیک خواننده و یادم نیست چه گونه به مجله معرفی شده بود، روی یکی از عکس‌های استاد که سیگاری هم بین انگشتان‌شان بود، کار کرد و البته با حذف سیگار طرحی تهیه کرد که روی جلد مجله‌ی ۶۹-۷۰ مربوط به مرداد و شهریور سال چاپ کردیم و شد سرآغاز تصویر رنگی روی جلد مجله. آخرین شماره‌ی قطع کوچک ۷۲-۷۱ بود مربوط به مهر و آبان ۱۳۶۹ که در آذر همان سال منتشر شد. این سه - چهار ماه فرصتی

گفتم جلسه‌ی تاریک شورا، دلیلش این بود که تا سال‌ها پس از جنگ، برق به اندازه‌ی کافی نبود و اکثراً خاموشی وجود داشت، آن شب را خوب خاطرم هست که جلسه زیر نور شمع برگزار می‌شد.

در مورد آگهی، حتی سال‌ها بعد، برای چاپ آگهی مؤسسات حسابرسی عضو انجمن در مجله هم کش و قوس بسیاری پیش آمد، بعضی آقایان کاتولیک تر از پاپ با آن مخالفت و حتی آنرا مسخره می‌کردند؛ مصداق «مارادونا را ول کن، غضنفر را بگیر».

البته چون می‌خواستیم اندازه و فرم جدید را از ابتدای سال هفتم تغییر بدهیم، دو مجله‌ی دیگر هم به صورت کوچک ولی با جلد

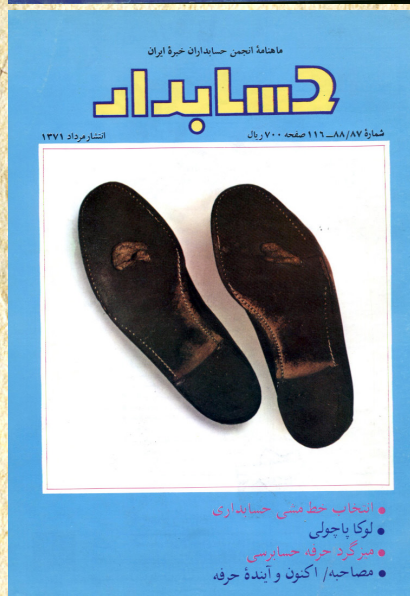
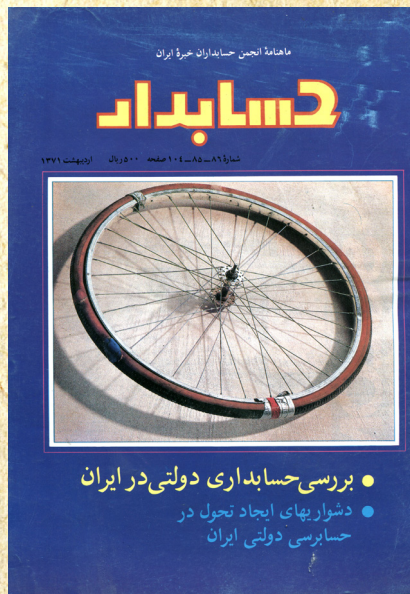
خصوصیات ایشان را آقای شلیله همین اواخر و به مناسب فوت آن بزرگوار، به شرح و تفصیل بازگو کرده است.

صحبت روی جلد شد، خانم حقیقی بعد از یکی دو شماره دیگر نیامد و روی جلد های مجله را با استفاده از طرح های مجلات خارجی و به مناسبت موضوع اصلی هر مجله، خودمان در دفتر مجله با همکاری پرویز خان خوانساری تهیه می کردیم. روی جلد های بسیار بحث برانگیزی درست شد مثلاً چرخ لنگ دو چرخه برای مجله ی مخصوص «حسابداری دولتی» یا کفش های پاره برای مجله ی مربوط به «حرفه ی حسابداری» که مورد سؤال مقامات دولتی و بعضی حرفه ای ها و انجمنی های قدیمی و دیگران قرار می گرفت. بگذریم.

نکته ای که شاید جالب باشد، «حسابداری» مجله ی حسابدان، قیمت تمام شده ی آن و همچنین این فکر پیش آمد که آیا مجله ی حسابدان می تواند در داخل انجمن به نوعی مستقل باشد، یا دست کم این که بهای تمام شده ی مجله را برای اعضا چه گونه باید حساب کرد.

تا قبل از این که مجله پرخرج شود و آگهی بپذیرد، مسئله ای نبود، مجله درواقع برای اعضا چاپ می شد و هزینه ی آن هم یکی از هزینه های انجمن بود، غیر از ارسال رایگان برای اعضا، تعدادی هم برای اساتید و کتابخانه های دانشگاه ها، و بعضی اشخاص مهم پست می شد و فروش روی کیوسک ها فقط هزینه ی توزیع آن ها را، آن هم شاید، می پوشاند. اما از زمانی که اندازه ی مجله بزرگ شد، مصرف کاغذ بالا رفت، هزینه های لیتوگرافی و چاپ و صحافی سر به فلک کشید، هزینه ی طراحی و صفحه بندی اساساً ایجاد شد و از طرف دیگر آگهی فروختیم که مقداری از هزینه ها را جبران می کرد و درعین حال فروش مجله هم یا روی کیوسک ها

و یا مستقیم از طریق دفتر مجله بالا رفت، حساب ها کمی پیچیده تر شد و در موقع تهیه گزارش های مالی به این موضوع پرداخته شد که خوب است حساب های مجله را از هزینه و



درآمدهای انجمن جدا کنیم. محاسبات را این گونه سامان دادیم که هزینه های هر مجله را جمع کنیم و پس از کسر درآمد آگهی ها، خالص را به تعداد مجله های

منتشره تقسیم کنیم تا هزینه ی قابل محاسبه برای انجمن به نسبت تعداد ارسالی مجانی برای اعضای آن، مشخص شود، این هزینه ای بود که درواقع به انجمن تحمیل می شد، چرا که آن مجله ها را با تصمیم انجمن به صورت رایگان ارسال می کردیم. بقیه ی هزینه ها پس از کسر درآمد آگهی ها و فروش، سود و زیان (درآمد و هزینه) مجله ی حسابدان را تشکیل می داد. حالا حتماً اوضاع فرق کرده و احتمالاً ترتیبات دیگری دارد.

همین جا خوب است یادی بکنم از آقایان نیک نژاد و محمود قدس که به نظرم آن موقع اعضای رابط شورا در هیأت تحریریه بودند و بسیار زحمت می کشیدند و لطف داشتند. هم مقاله می دادند هم غصه ی انتشار مجله را می خوردند. امیدوارم هر کجا هستند شاد و خوش و سر حال باشند.

ناگفته نپیداست، مجله چه در شکل و چه در محتوا، از اول تا آخر مدیون سلامی، خستویی، شمس احمدی و دوانی است.

در سایت انجمن، نام سردبیران مجله را به این شرح آورده اند:

فریده خلعتبری از سال ۵۵ تا ۵۷، دکتر مهدی تقوی تا ۱۳۷۱، محمد شلیله تا ۱۳۷۵، یداله مکرمی تا ۱۳۷۸، غلامحسین دوانی تا ۱۳۸۴، محسن خوش طینت تا ۱۳۸۷، امیر پوریا نسب تا ۱۳۹۳ و پس از آن پرویز صداقت.

از لحاظ اجرایی نیز معمولاً دبیر کل، مدیر اجرایی بوده است که بعد از این جانب، آقایان غلامی به مدت کوتاه، آقای منیری به مدت طولانی و آقای قاسمی در مدتی که می دانید، زحمت این کار را کشیده اند و فاصله ی سردبیر تا خواننده را پر کرده اند.

ببخشید که مطالب قدری پاره پاره بود، دلیل اش شاید کوتاهی زمان در اختیار بوده باشد. ■

پی نویس:

۱- متن ویراسته ی سخنرانی ارائه شده در همایش جشن چهل سالگی حسابدان، سه شنبه سی ام آذرماه ۱۳۹۵.

باید پوسته‌ی

محافظه‌کاری را شکست



پرویز صداقت

بحث من درباره‌ی چشم‌اندازهای آتی ماهنامه است.^۱ از جمله‌ی کلیدی که جناب آقای صادق‌ان به نقل از آقای دکتر علی ثقفی ارائه کردند، آغاز می‌کنم: امروز، فردای دیروز است.

انجمن حسابداران خبره ایران تشکلی است در جامعه‌ی مدنی ایران. یعنی تشکلی که حسابداران شکل داده‌اند به منظور آن که در سپهر عمومی بتوانند صدای خود، یعنی صدای حرفه‌ی حسابداری و حسابرسی را بازتاب بدهند و در برابر قدرت سیاسی و کلیت جامعه، منافع حرفه‌ای حسابداران را مطرح و از آن دفاع کنند. با چنین استراتژی کلی‌ای، ماهنامه‌ی حسابدار هم چیزی نیست مگر ارگان انجمن و چیزی که باید بازتاب صداهای متکثر درون انجمن حسابداران خبره و درون جامعه‌ی حرفه‌ای حسابداری ایران باشد.

آن چیزی که امروز بر ما الزام شده است، به‌رغم هر انتقادی که به آن وارد باشد یا نباشد، در روزهای گذشته یک انتظار بوده است. مثلاً در بحث استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی IFRS، به‌هرحال با توجه به

روند اقتصادی موجود، با توجه به تحولاتی که در سطح جهانی رخ داده، با توجه به ویژگی‌ها و مختصات نظام اقتصادی مبتنی بر بازار که هیچ مرز و محدودیتی را بر نمی‌تابد، گذار به این استانداردهای و انطباق استانداردهای بومی با استانداردهای بین‌المللی، امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. چراکه صاحبان نگاه‌های اقتصادی و صاحبان کسب‌وکار به ارقام صورت‌های مالی و نسبت‌های مالی قابل‌قیاس با صورت‌های مالی در فراسوی مرزها نیاز دارند. این که زمانی IFRS الزامی می‌شود، پیش از این قابل پیش‌بینی بود. بنابراین تشکل‌های حرفه‌ای باید پیشاپیش نیازهای آموزشی اعضا را در این خصوص تشخیص می‌دادند تا آموزش‌های حرفه‌ای متناسب در قالب مقالات، میزگردها، گزارش‌ها، کارهای ترویجی مختلف مثل برگزاری سمینار و ... انجام شود.

آن چیزهایی که در چشم‌انداز فردای ماست و انتظار می‌رود به الزام‌های جدید برای حسابداران ما تبدیل شود چیزهایی است که ما باید امروز در جهت ترویج آن در ماهنامه‌ی حسابدار تلاش کنیم.

مواردی وجود دارد که گاهی به نظر خیلی فانتزی یا لوکس به نظر می‌رسد، مثلاً حسابداری زیست‌محیطی. امروز گاهی پایان‌نامه‌های دانشجویی را در این زمینه می‌بینیم که عمدتاً هم متکی است به تعاریف، ترمینولوژی یا نگاهی به تجارب کشورهای دیگر. ولی همین حسابداری زیست‌محیطی طی سال‌های آینده بدون هیچ‌گونه اغراقی تبدیل به یک الزام بزرگ برای حسابداران ما خواهد شد. بر اساس مطالعاتی که در سطح جهانی انجام شده، ایران در منطقه‌ای واقع است که تا سال ۲۰۴۰ یعنی ظرف ۲۳ سال آینده شدیدترین بحران خشکسالی جهانی را تجربه خواهد کرد. بنابراین کلیه‌ی اقلام زیست‌محیطی ارزشی به‌مراتب بیشتر در سال‌های آتی پیدا می‌کند. سمیناری سال گذشته در مدرسه‌ی مطالعات شرقی و افریقایی SOAS لندن در مورد بحران زیست‌محیطی خاورمیانه برگزار شد. تمامی این مطالعات نشان می‌دهد کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (به استثنای مصر به خاطر وجود رود نیل)، بدترین بحران خشکسالی را در سال‌های آینده تجربه خواهند

کرد. بخش عمده‌ی ایران به استثنای دو استان شمالی حاشیه‌ی جنوبی دریای خزر متأسفانه عمدتاً به بیابان لم‌یزرع تبدیل می‌شود و آب گران‌بهارترین کالا در این منطقه خواهد شد. در این سمینار از جمله پیش‌بینی شد که جنگ‌های آبی خاورمیانه دیگر نه جنگ بر سر نفت که جنگ بر سر منابع آب خواهد بود. بر اساس این واقعیت‌ها چه پیش‌بینی‌ای می‌توان کرد؟ به هر حال دیر یا زود در برنامه‌های اقتصادی ما توجه دقیق‌تر به عوامل زیست‌محیطی خواهد شد و دیر یا زود حساب‌رسان و حسابداران ناگزیر خواهند بود عوامل زیست‌محیطی را هم در محاسبات و گزارش‌هایشان ارائه کنند.

بسیاری از آن چیزهایی که ما در سال‌های قبل تجملی محسوب می‌کردیم، مثل خیلی از الزامات راهبری شرکت‌ها، اکنون به تدریج در حال تبدیل شدن به الزام‌های قانونی است. پس ما باید در سال‌های پیش تلاش می‌کردیم که فرهنگ مربوط به این مفاهیم جدید بین حرفه جا بیفتد. مثلاً آن الزاماتی که بورس در زمینه‌ی حسابرسی داخلی یا کنترل‌های داخلی ارائه کرده، مربوط به مجموعه آموزه‌هایی است

که از بحث‌های مربوط به راهبری شرکت‌ها یاد می‌گیریم و این بحث‌های مربوط به راهبری، بحث‌هایی است که کشورهای پیشرفته‌ی اقتصادی از دهه ۱۹۸۰ به بعد در سیستم مدیریت شرکت‌های خود به آن سمت حرکت کردند. آنان برخلاف دیدگاه کلاسیک از دهه‌ی ۱۹۸۰ به این نتیجه رسیدند که به حداکثر رساندن ارزش سهام‌داران در سطح واحد اقتصادی و بنگاه، به حداکثر منافع در سطح عمومی منجر نمی‌شود و باید تمامی ذی‌نفعان کسب‌وکار و فعالیت‌های اقتصادی را در نظر گرفت و آنچه منافع گاه متضاد ذی‌نفعان مختلف بنگاه‌های اقتصادی

است، مورد توجه قرار گرفته شود. وظیفه‌ی حسابداران و حساب‌رسان این است که به این عوامل توجه کنند. امروز بحث‌های مربوط به کنترل داخلی و کمیته‌های حسابرسی مطرح شده و فردا الزامات دیگری مربوط به راهبری شرکت‌ها به تدریج در شرکت‌های مختلف الزامی می‌شود. بنابراین اعضای انجمن و حسابداران مستقل باید از هم‌اکنون، در این زمینه مهارت‌ها و توان کافی را در خود پرورش دهند.

بحث دیگر مبحث مربوط به فناوری اطلاعات IT است. انقلاب فناوری اطلاعات و پیشرفت‌های مربوط به IT از دهه‌های ۱۹۸۰ و



۱۹۹۰ به بعد در جهان شکل گرفت. اما روندی که از سال‌های گذشته تا امروز آغاز شده این است که بسیاری از کارهای متعارف و متداول حسابداری به‌مدد کامپیوتر، توسط یک کاربر غیرمتخصص هم می‌تواند انجام شود. بنابراین اگر حسابداران ما بخواهند در سطح یک حسابدار سنتی بمانند، در دنیای فردا (در این جا صحبت از ۲۰۲۵ است نه حتی ۲۰۴۰، یعنی ۸ سال دیگر) حسابدار یا باید تبدیل به تحلیل‌گر مالی بشود یا بایستی شاهد بیکاری بخش عمده‌ای از حسابداران شویم. بنابراین توجه ما در ماهنامه باید این باشد که تکنیک‌ها و فنون تحلیل‌گری را با استفاده از توان و دانش بالایی

که در میان اهل حرفه وجود دارد به حسابداران بیاموزیم.

مثال‌های متعدد دیگری هم می‌توان زد، مسائلی که در حقیقت انتظار می‌رود طی سال‌های آتی رخ بدهد و در آینده‌ی نزدیک الزام‌های جدیدی برای جامعه‌ی حرفه‌ای تعریف می‌کند؛ اگرچه شاید اکنون دور از ذهن به نظر می‌رسد.

حضور من در این جا و صحبت برای شما به خاطر این بود که دیگر سردبیرانی که در این دوره‌ی طولانی با ماهنامه‌ی حسابدار همکاری کردند، در این جا حضور نداشتند و گرنه همه‌ی آن‌ها نسبت به من اولی بودند. از همه‌ی آن‌ها، از تک‌تک اعضای انجمن، صمیمانه تشکر می‌کنم و از تک‌تک آنان برای همکاری حرفه‌ای با ماهنامه‌ی حسابدار دعوت می‌کنم. ما شاید به طور ماهانه و سالانه، ده‌ها و صدها مقاله دریافت می‌کنیم، بسیاری از آن‌ها مثلاً در مورد رابطه‌ی متغیر الف با متغیر ب در بورس اوراق بهادار تهران است که در آن یک مدل ریاضی را اجرا کرده‌اند و نهایتاً هم یک نتیجه‌ی گاه بدیهی گرفته‌اند که چندان موضوعیت و ارتباطی با مسائل حرفه ندارد.

ما اکنون بحران‌های متعددی در کشورمان داریم و بحران‌های متعددی هم در آینده خواهیم داشت. حرفه‌ی حسابداری برای این که جایگاه بایسته خود را پیدا کند بایستی پاسخگوی این بحران‌ها و چالش‌های آینده باشد و برای این موضوع بایستی سرش را از لاک خود در بیاورد؛ نیاز به کنش‌گری دارد، نیاز به حضور دارد، نیاز به داشتن صدا در جامعه‌ی مدنی دارد، و نیاز به شهامت در ابراز نظراتش. از این رو، نیاز دارد این پوسته‌ی محافظه‌کاری را بشکند چرا که فردای حرفه در خطر است. ■

پی‌نویس:

۱- متن ویراسته‌ی سخنرانی ارائه‌شده در همایش جشن چهل‌سالگی حسابدار، سه‌شنبه سی‌ام آذرماه ۱۳۹۵.

گزارش تصویری



• رحمت‌الله صادقیان، رئیس شورای عالی انجمن حسابداران خبره ی ایران، سخنران آغازین جشن چهارمین سالگرد تأسیس ماهنامه ی حسابدار

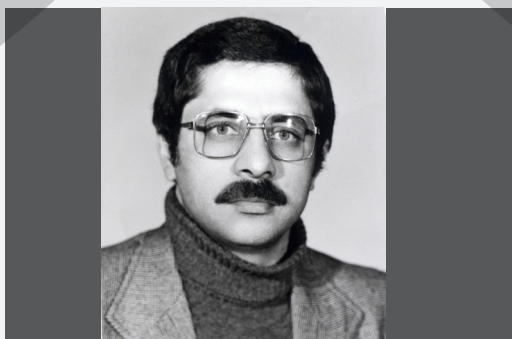


• مهدی تقوی، استاد تمام دانشکده ی اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، مدیر مسئول ماهنامه در تمامی سال‌های پس از انقلاب



• اجرای مراسم موسیقی سنتی و فولکلور ایرانی در آغاز مراسم





• عکسی از سال‌های دور از محمد شلیله، سردبیر ماهنامه‌ی حسابدار
تا سال ۱۳۷۵



• تقدیر از فریده خلعت‌بری، نخستین سردبیر مجله‌ی حسابدار، ۱۳۵۵
تا ۱۳۵۷



• غلامحسین دوانی، سردبیر حسابدار تا سال ۱۳۸۴



• محسن خوش طینت سردبیر حسابدار تا سال ۱۳۸۷



• یداله مکرمی، سردبیر حسابدار تا سال ۱۳۷۸



• امیر پوریان‌سپ، سردبیر حسابدار تا سال ۱۳۹۳



• پرویز صداقت، سردبیر کنونی حسابدار، در هنگام برگزاری مراسم
تقدیر از آقایان دکتر یحیی حساس یگانه، علی امانی و محسن قاسمی،
اعضای هیأت تحریریه‌ی ماهنامه تشکر کرد



• محمد منیری، دبیر کل و مدیر اجرایی پیشین ماهنامه‌ی حسابدار



• مجید میراسکندری، دبیر کل و مدیر اجرایی پیشین ماهنامه‌ی حسابدار



• محسن قاسمی، دبیر کل و مدیر اجرایی کنونی ماهنامه‌ی حسابدار



• تقدیر از مژده کدخدایی از همکاران سال گذشته‌ی ماهنامه



• تقدیر از امیرهادی معنوی مقدم از همکاران سال گذشته‌ی ماهنامه



• برگزاری آیین سوگند حسابداران و حساب‌رسان حرفه‌ای توسط استاد نظام‌الدین ملک‌آرایی پایان‌بخش مراسم چهلمین سال تأسیس مجله‌ی حسابدار بود

